



سیدابو محمد مرتضوی

تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۵/۹/۵

مصاحبه کننده: محمد میرزایی

مرکز: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری

سال ورود: ۱۳۶۹



- **لطفاً یک بیوگرافی از خودتان بفرمایید.**

سید ابومحمد مرتضوی هستم. در طارم متولد شدم و همان جا به مدرسه رفتم. متعاقباً به قم عزیمت کردم و تحصیلات خود را در حوزه قم ادامه دادم. در نهایت پس از اتمام سطوح حوزوی، چندین سال پای درس خارج فقه و اصول استادان بزرگ حاضر شدم فلسفه و کلام را از استادان فرزانه این رشته‌ها در حوزه آموختم و در مقطع کارشناسی، رشته علوم تربیتی را در دانشگاه قم گذراندم. البته هم‌زمان در عرصه پژوهش در محضر استادان بزرگ که هم‌اینک برخی از آنها مراجع تقلید هستند فعالیت داشتم

- **چه سالی به دانشگاه آمدید؟**

در سال ۶۹ به دانشگاه شریف آمدم.

- **در خصوص فضای حاکم در دانشگاه در آن سال‌ها و پس از اتمام جنگ توضیح دهید؟**

در خصوص دانشگاه در مورد چند مسئله لازم است صحبت شود. اول این که دانشگاه به لحاظ علمی مشهور بود البته از اول همین‌طور بود و همیشه استادان برجسته داشته و دارد. به‌همین خاطر اکثریت قریب به اتفاق نخبه‌های کشور، شریف را انتخاب می‌کردند. دانشگاهیان شریف همیشه می‌کوشیدند سطح دانشگاه حفظ شود و موقعیت علمی آسیب نیند. استادان حساسیت بیشتر نسبت به این مسئله داشتند و واقعاً به حفظ سطح عملی دانشگاه فکر می‌کردند تا این که به شکر خدا با تلاش‌های فراوان توانستند موقعیت دانشگاه را حفظ کنند لذا دانشگاهیان کنونی دانشگاه باید بدانند - که البته می‌دانند - برای حفظ دانشگاه شریف به‌عنوان یک سرمایه ملی خیلی زحمت کشیده شده بلکه افرادی در این راه همه همتشان را صرف کرده‌اند. و بعضاً مانند شمع سوخته‌اند. ضمناً ریاست دانشگاه را آن موقع دکتر صالحی به‌عهده داشت.

دوم این که دانشگاه مشکلاتی داشت از جمله مشکل مشروطی‌ها بود که متراکم شده بود و به مرحله‌ای رسیده بود که انگار غیرقابل حل است. لذا جرأت اقدام برای کسی نمانده بود.



اما کسی که جرأت کرد این مشکل را برای همیشه رفع کند، دکتر اعتمادی بود که معاونت آموزشی را آن زمان به عهده داشت. البته مجموعه دفتر نهاد نیز مساعدت کرد. سوم این که سه مجموعه در دانشگاه کار فرهنگی می کرد و عبارت بود از نهاد نمایندگی، جهاد دانشگاهی و انجمن اسلامی. در آن زمان فضای دانشگاه کاملاً فعال بود. رقابت شدید و گاهی تنش‌زا وجود داشت ولی از لحاظ مطالعه کتب و مقالات فرهنگی، دانشجویها خیلی فعال بودند.

در آن زمان دفتر نهاد نیز حرکت‌های خوبی را شروع کرد و بعضی از آنها منشأ خیرات در دانشگاه‌ها و کشور شد مانند مسئله جوانان که با برگزاری همایش‌ها یا سمینارهایی توانست به نهادهای فرهنگی تبیین کند مسائل جوان‌ها جدی است. از جمله این سمینارها، سمینار مشکلات نسل جوان، و الگوی نسل جوان و جوان و ازدواج بود و به دنبال آن دانشجو، دانشگاه سیاست و در بیستمین سال انقلاب، آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی و در سی‌امین سال؛ سی سال انقلاب اسلامی و پس از آن همایش «پس از ۳۰ سال» را برگزار کرد و در همین راستا اردوهای فرهنگی زیارتی را کلید زد و هم‌اینک نیز ادامه دارد.

لازم است یادی کنم و همین‌طور آرزوی توفیق برای همه عزیزانی که دلسوزانه همکاری و کمک کردند و بعضاً فاکتور کلیدی بودند؛ مانند آقایان مهندس میرزائی، رستمی، یعقوبی، عطاری، طاهرخانی، مرحوم جوادی و پس از آن مهندس عباس عسگری و خیلی عظیم از دوستان که نام بردن از تک‌تک آن‌ها در این فرصت میسر نیست. و همین‌طور عده‌ای از دوستان با پشتیبانی نهاد، اولین نشریه صنفی را منتشر کردند به نام نقطه سرخط. همچنین توسط دانشجویان و مسئولان فرهنگی دانشگاه تکثیر کانون‌ها صورت گرفت و هیئت چهارده معصوم در خوابگاه طرشت پایه‌گذاری شد. همه این‌ها ابداعات دانشگاه شریف بود. مدتی بعد از آن بسیج دانشجویی تشکیل شد که انصافاً فعالیت‌های معقول داشت و دارد. به‌رحال رقابت در دانشگاه شریف خیلی سالم بود.

در اینجا باید از رؤسای دانشگاه به‌ویژه دکتر اعتمادی و دکتر سهراب‌پور که با اعمال ویژه خودشان در فضای فرهنگی دانشگاه، اثرگذار بودند یاد و تشکر کنم. باید بگویم که پس از دکتر اعتمادی، دکتر صدرنژاد به مدت دو سال سکان دانشگاه را در دست گرفت و زحمات زیادی برای دانشگاه کشید. البته سیاست متفاوتی در مدیریت داشت که به‌رحال گذشت. شاید دانشگاه شریف به همین خاطر یک دانشگاه خاص و متفاوتی است و آن را از هر حیث جذاب کرده است.



- اگر خاطره‌ای دارید از دانشجویان یا گروه‌های دانشجو در این مدت بگویید.

خاطره‌های تلخ و شیرین به قدری فراوان است که نیاز دارد کتابی تدوین شود. اما بعضی اوقات که به آن فکر می‌کنم صرف نظر از بعضی اتفاقات بسیار تلخ همه آن‌چه که پیش می‌آمد به نحوی شیرین و نمکین بود. زیرا خیلی از آنها از روی دلسوزی رخ می‌داد و البته ناپختگی و جوانی هم به این امر کمک می‌کرد.

نمی‌خواستم خاطره‌ای را نقل کنم اما به خاطر تغییر حال و هوا یک خاطره نقل می‌کنم. معمولاً سال اولی‌ها که وارد دانشگاه می‌شدند یک سخنرانی هم برای من ترتیب می‌دادند. در یکی از سال‌ها که دقیقاً یادم نیست چه سالی بود مراسم تمام شد. آمدیم بیرون، بعد از مراسم، دانشجویان راهنمای دانشکده‌ها ورودی‌های جدید را برای معرفی دانشکده همراهی می‌کردند. گروهی از دانشجویان که برای آشنایی با یکی از دانشکده‌ها از کنار نهاد عبور می‌کردند خطاب به تابلوی نهاد گفت؛ این نهاد نمایندگی است توصیه می‌کنم هرگز به اینجا نزدیک نشوید که تخلیه اطلاعاتی می‌شوید. ما به همراه جمعی که با من بودند کلی خندیدیم.

- بین جو دانشجویان این دانشگاه با دانشگاه‌های دیگر چه تفاوت‌هایی می‌بینید؟

داوری در این باره بسیار مشکل است و نیاز دارد که انسان در فضاهای مختلف حضور داشته باشد تا بتواند داوری کند، بنابراین من فقط در مورد فضای دانشگاه شریف می‌توانم داوری کنم. این دانشگاه همان‌طور که قبلاً هم گفته شد محسنات فراوان دارد. یکی، دو نکته را عنوان می‌کنم؛ از جمله این‌که مجموعه گروه‌ها و تشکل‌ها و نهادهای فرهنگی و هنری و مذهبی و علمی همه و همه، همیشه در حرکات خودشان عقلانیت را مد نظر داشتند، کم‌تر دچار احساسات می‌شدند و نکته دیگر این‌که سرعت و شتاب فعالیت‌ها همیشه در اینجا بالا بود؛ هم به لحاظ علمی و هم به لحاظ فرهنگی. لذا همیشه لازم بود تصمیم عاقلانه و درست اتخاذ شود و بحمد... با کمک دوستان، این اتفاق می‌افتاد. البته کار سختی بود. گرچه باید اضافه کنم برخی مواقع افرادی بودند که حرکت‌های احساسی داشتند که گاه به تصمیم‌ها و حرکت‌های غیر عقلانی و غیرمنطقی منجر می‌شد و بعضاً ضربه‌های واقعاً جبران‌ناپذیری به پیکره دانشگاه وارد می‌کرد و اثر خود را می‌گذاشت.



برخی اوقات هم از بیرون دانشگاه تصمیماتی اتخاذ می‌شد و دانشگاه را تحت تاثیر قرار می‌داد که گاهی به تنش‌های سیاسی می‌انجامید که در شأن دانشگاه نبود.